

خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم

فرنگیس شاهرخی شهرکی^۱، خلیل بیگزاده^۲، اسماعیل صادقی^۳

دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۴

پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۲

چکیده

رابطه بینامتنی و اثرپذیری شاعران از متون دیگر، از جذاب‌ترین مقوله‌های قابل بررسی در نقد ادبی و ادبیات تطبیقی است و شعر رضوی از این رهگذر، سرشار از پستوانه‌های قرآنی، عناصر ارزشی، مناسبات بینامتنی و کارکردی است که از منظر رویکرد بینامتنیت قابل مطالعه است. این پژوهش با هدف تبیین انواع روابط بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم به روش تحلیلی، شیوه‌های اثرپذیری شعر رضوی از قرآن کریم و چگونگی بازتاب واژه‌ها، تعبیرات، ترکیب‌ها، مفاهیم و مضامین قرآن کریم در شعر رضوی معاصر را بررسی کرده و نشان داده‌است که از میان انواع روابط بینامتنی، رابطه شعر رضوی با قرآن کریم از نوع درون‌نشانه‌ای، درون‌فرهنگی، بینامتنی قوی و در زمانی و نیز از حیث فنی و هنری دارای رابطه کامل متنی، کامل تعدیلی، جزئی، واژگانی، مفهومی و تلمیحی است که از میان آن‌ها، بارزترین نوع هم‌حضور دو متن مورد بررسی رابطه واژگانی و جزئی است.

کلیدواژه‌ها

شعر رضوی معاصر، قرآن کریم، بینامتنیت، روابط بینامتنی.

f.shahrokhi10@yahoo.com

kbaygzade@yahoo.com

sadeghiesma@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا(ع):

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول):

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد:

❖ مقدمه

متن‌های ادبی از رهگذر نقل قول‌ها و تأثیر و تأثرات آشکار و پنهان و جذب مؤلفه‌های صوری از متون پیش از خود، با یکدیگر تداخل می‌یابند. بینامتنیت به رابطه میان متون اطلاق می‌شود. با وجود توجه ناقدان و پژوهندگان به رویکرد بینامتنیت در دهه اخیر، این رویکرد پیش از طرح اصطلاح بینامتنی در ادبیات ایران تجلی یافته است. از نمونه‌های بارز آن، اثرپذیری شاعران و نویسندگان فارسی زبان از قرآن کریم است که در دوران صفویه به اوج رسیده و در دوران معاصر ادامه یافته است. بهره‌گیری شاعران از میراث دینی در شعر نشانه ایمان به قرآن و درک و فهم شاعران از آن و تأثیرات گوناگونی است که قرآن بر ذهن و زبان آنان گذاشته است.

مسئله دیگر این است که به دلیل زمینه اعتقادی، شعر رضوی طبیعتاً تحت تأثیر قرآن کریم است. شخصیت، مرام و کلام امام‌رضا^(ع) از یک سو و پیوند امام^(ع) با سرچشمه‌های ولایت و نبوت و تأثیرات آن حضرت بر اندیشه و فرهنگ شیعیان از سوی دیگر و نیز وجود مشهد پاک ایشان در سرزمین ایران از دیرباز، بر جنبه‌های گوناگون فرهنگ و افکار شیعیان سایه افکنده است. شاعران تصویرگران جلوه‌های گوناگون فرهنگ و تاریخ خویش‌اند و شعر آیینی تشیع همواره از آبشخور قرآن کریم، سیره معصومین و فرهنگ رضوی بهره برده است. در نتیجه بسیاری از مضامین، درون‌مایه‌ها و صور خیال شعر آیینی و مذهبی، مستقیم و غیرمستقیم، آیات قرآن و کلام و زندگی حضرت رضا^(ع) را آینگی می‌کند. حال اگر شعر به توصیف و تصویر آن حضرت اختصاص داشته باشد، شکل‌گیری رابطه بینامتنی قرآن و شعر رضوی بیش از پیش متوقع است.

بینامتنیت در قرآن، دارای گونه‌های متعددی است که گاه این اثرپذیری در عمق مفاهیم و مضامین شکل می‌گیرد و گاه در ساده‌ترین صورت آن، تضمین یک واژه،

عبارت، فکر یا رویداد و در شکلی گسترده‌تر مجموعه‌ای از آیات است. این پژوهش، در صدد است با نظر به رویکرد بینامتنیت، ضمن تبیین شگردهای کاربرد واژه‌ها، تعبیرات، ترکیب‌ها، مفاهیم و مضامین قرآن کریم در شعر رضوی، به تحلیل چگونگی کاربست و کارکرد آن‌ها نیز بپردازد.

اهمیت و ضرورت این تحقیق این است که قرآن کریم به دلیل داشتن معانی عمیق و غنای واژگانی و ویژگی‌های خاص بلاغی و هنری، شاعران معاصر، حجم گسترده‌ای از تلمیحات و اقتباس‌های گوناگون را از قرآن در شعر خود به‌کار برده‌اند. به همین دلیل شایسته است که از دیدگاه بینامتنی به بررسی مشترکات لفظی و معنوی شعر رضوی و قرآن کریم پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در زمینه بینامتنی قرآن کریم و آثار مختلف صورت گرفته است؛ از جمله مقاله بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلّی و قرآن کریم از علی اصغر حبیبی (۱۳۹۲)، جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور از فاروق نعمتی (۱۳۹۲)، بینامتنیت قرآنی و روایی در شعر دعبل خزاعی نوشته قاسم مختاری و ابراهیم ابراهیمی (۱۳۹۲)، بینامتنی قرآنی در اشعار احمد شوقی از سیدمهدی مسبوق و حسین بیات (۱۳۹۱)، بینامتنی قرآنی در شعر ابوتمام طائی نگارش محمد هادی‌زاده (۱۳۹۰)، بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سیدحمیری نوشته قاسم مختاری و غلام‌رضا شانقی (۱۳۸۹)، روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمدمطر از فرامرز میرزایی و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸) و بینامتنی اشعار عبدالوهاب تبیانی با قرآن کریم اثر طیبه سیفی (۱۳۹۱)؛ و نیز در خصوص شعر رضوی پژوهش‌هایی با عناوین: کرامت امام‌رضا^(ع)، طبیب رئوف از مرتضی عبدالوهابی (۱۳۸۹)، بازنمایی جایگاه امام‌رضا^(ع) در فرهنگ مردم ایران نوشته سویل ماکویی (۱۳۸۹)، روش‌شناسی تفسیری امام‌رضا^(ع) اثر علی‌رضا

❖ سال پنجم شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۶

فخاری (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمان مناظره‌های امام‌رضا^(ع) نوشته حسن مجیدی (۱۳۹۲)، شعر رضوی پس از انقلاب اسلامی از زهرا محدثی (۱۳۹۲)، نگاهی دوباره به اولین مدیحه رضوی اثر سیدعلی موسوی گرمارودی (۱۳۸۳)، تأملی در چند شعر رضوی نوشته محمد کاظم کاظمی (۱۳۹۱) و مقالاتی از این دست نوشته شده؛ اما پژوهشی با موضوع خوانش رابطه بینامتنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم انجام نشده است.

بحث و بررسی

۱. نظریه بینامتنی

واژه بینامتنیت از یک اسم (text) و یک پیشوند (inter) و یک پسوند اسم‌ساز (ualite) ترکیب شده است (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۲۶). بینامتنیت معادل اصطلاح Intertextuality یکی از اصطلاحاتی است که در فرهنگ و ادبیات امروز زیاد به کار برده می‌شود. بینامتنیت به رابطه میان دو یا چند متن اشاره می‌کند که در یک متن واحد حضور می‌یابند یا پژواک آن شنیده می‌شود. این اصطلاح برای توصیف متون معینی که بر اثر نشت و نفوذ در یکدیگر و به سبب خاطرات مشترک، پژواک‌ها، نقل قول‌ها، استشهادها و جابه‌جایی‌ها با هم ربط و پیوند آشکار یافته‌اند نیز کارایی پیدا کرده است. مفهوم بینامتنیت بیانگر این مطلب است که تمام گونه‌های گفتاری و نوشتاری و تجسمی هر ملتی، بر اثر تأثیرات متقابل و با ارجاع به آن چه پیشتر وجود داشته، هستی می‌یابد. بینامتنیت به معنای ماحصل گفت و گو و تعامل یک متن با متون دیگر، اثرگذاری یک مؤلف بر مؤلف دیگر، اثرپذیری این دو و نیز حضور انکارناپذیر یک متن در متون دیگر است (قره‌باغی، ۱۳۸۱: ۳۸ و ۳۹). «بینامتنیت در ساده‌ترین حالتش به این معناست که متنی از متون و افکار گذشته دیگران چه خودآگاه و چه ناخودآگاه تضمین و اقتباس شود؛ به گونه‌ای که این متون و اندیشه‌ها در متن اصلی ذوب شود و متنی جدید و کامل عرضه شود» (خزعلی، ۲۰۰۹: ۶۴).

در نگاه نظریه‌پردازان بینامتنیت هیچ آغازی وجود ندارد، همواره یا تداوم است یا

تکرار، همواره یا دگرگونی است یا تقلید اما تداوم، تکرار، دگرگونی یا تقلیدها بر چیزی از پیش موجود استوار می‌شوند. بنابراین هر نظریه و هر کنشی دارای یک گذشته است که اصول بینامتنیت بر همین گزاره‌های ذکر شده شکل گرفته است و به عبارت دقیق‌تر، بر پایه اصل اساسی بینامتنیت هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و همواره متن‌ها بر پایه‌های متن‌های گذشته بنا می‌شوند. همچنین، هیچ متنی، جریانی یا اندیشه‌ای به‌طور دفعی و بدون سابقه خلق و ایجاد نمی‌شود، بلکه همیشه از پیش چیزی یا چیزهایی وجود داشته است. انسان نمی‌تواند چیزی از هیچ بسازد یا از هیچ چیزی خلق کند، بلکه باید تصویری (خیالی یا واقعی) از متنی وجود داشته باشد تا ماده اولیه ذهن او شود و او بتواند آن را همان گونه یا دگرگون شده بسازد یا تصویری که دریافت کرده بازسازی کند، در غیر این صورت از تصاویر گوناگون ترکیبی نوین بیافریند (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷). «بینامتنیت مبتنی بر این اندیشه است که متن، نظامی بسته، مستقل و خود بسنده نیست، بلکه پیوندی دو سویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد. این متون ممکن است ادبی یا غیر ادبی باشند، هم‌عصر همان متن باشند یا به سده‌های پیشین تعلق داشته باشند» (مکاریک، ۱۳۹۰: ۷۲).

بینامتنیت رابطه و تأثیر متنی پیشین یا زیرمتن (hypotext) که در زیرمتن (hypertext) تغییراتی ایجاد می‌کند و آن را شرح و بسط می‌دهد، بررسی می‌کند (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۹). زیرمتن یا پیش‌متن (پیشامتن) متنی است که در خلق و آفرینش متون بعد از خود، اثرگذار است و بیش‌متن (پس‌متن) یا زیرمتن متن دوم است که یا برگرفته از متن اول (پیش‌متن) است یا به‌نحوی از آن متأثر شده است.

۲. انواع بینامتنیت

از دیدگاه محققان و نظریه‌پردازان، رویکرد بینامتنیت دارای گرایش‌ها و انواعی است همچنان که گاه بر حسب نوع نگرش محققان بینامتنیت، گاه بر اساس نوع مطالعه روابط بینامتنی و گاه با توجه به چگونگی ارتباط دو متن، تبیین و تعریف شده است.

۲-۱. بینامتنیت صریح، پنهان و ضمنی

در یک تقسیم‌بندی، هم حضوری متون بر سه شکل زیر است: (۱) بینامتنیت صریح و اعلام شده؛ که مؤلف متن دوم، قصد پنهان کردن مرجع متن خود؛ یعنی متن اول را ندارد و می‌توان حضور متن اول را مشاهده کرد؛ (۲) بینامتنیت غیر صریح و پنهان شده که مؤلف متن دوم می‌کوشد مرجع بینامتن خود را پنهان کند؛ (۳) بینامتنیت ضمنی که مؤلف قصد پنهان کردن متن مرجع را ندارد و به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که از طریق این نشانه‌ها می‌توان بینامتنی را تشخیص داد (همان، ۱۳۸۶: ۸۸ و ۸۹).

۲-۲. بینامتنیت ضعیف و قوی

بینامتنیت ضعیف آن است که از محتوای متن دیگر بهره نبرده باشد و فقط از جنبه‌ی صوری برگرفته‌ی متن دیگر باشد؛ اما اگر این هم‌حضور، علاوه بر صورت متن، در محور مضامین و مفاهیم نیز دیده شود و در ابعاد گوناگون گسترده شود و فقط به تصویرپردازی محدود نشود، رابطه‌ی بینامتنی از نوع قوی است (همان، ۱۳۹۰: ۲۳۶ و ۲۳۷).

۲-۳. بینامتنیت درون‌نشانه‌ای و بیناننشانه‌ای

هنگامی که دو اثر مورد مطالعه متعلق به یک نظام نشانه‌ای (کلامی یا تصویری) باشند، روابط بینامتنی آن‌ها درون‌نشانه‌ای است و اگر هر یک از متن‌های محور مطالعه متعلق به یک نظام نشانه‌ای (کلامی، تصویری و ...) باشند، روابط بینامتنی آن‌ها بیناننشانه‌ای است (همان، ۱۳۹۰: ۳۱۸).

۲-۴. بینامتنیت درون فرهنگی و بینا فرهنگی

در مطالعه‌ی میان متون، وقتی دو اثر متعلق به یک فرهنگ خاص هستند، رابطه‌ی آن‌ها درون فرهنگی است ولی اگر متون مورد مطالعه از فرهنگ‌های متفاوت برخاسته باشند،

به این نوع بینامتنیت، هم‌حضوری بینا فرهنگی می‌گویند (همان: ۳۱۷ و ۳۱۸).

۲-۵. بینامتنیت هم‌زمانی و در زمانی

رابطه بینامتنی میان گونه‌ها استوار بر دو نوع رابطه بینامتنی هم‌زمانی و در زمانی است. رابطه بینامتنی در زمانی، مبتنی است بر این که گونه‌های ویژه، از امکانات گونه‌های دوره‌های گذشته برای گسترش خود بهره‌گیرند. گونه‌های پیشین منابع نیرومندی برای گونه‌های حاضرند و به مدد فرایندهای ترکیب، دگرگونی، دخل و تصرف و ... وارد دیگر گونه‌های ادبی می‌شود.

۲-۶. دیگر انواع بینامتنیت

از نظرگاه دیگری، انواع روابط زیر برای بینامتنیت ذکر شده است:

۱. بینامتنیت خودآگاه و ناخودآگاه که از لحاظ میزان آگاهی شاعر و نویسنده به اخذ از پیش‌متن، به متن نگریسته می‌شود.
۲. بینامتنیت داخلی و خارجی که بر اساس اخذ از آثار خود شاعر یا نویسنده یا آثار دیگران به متن نگریسته می‌شود.
۳. بینامتنیت موازی و معکوس، که از زاویه همراهی و همراهی نکردن متن حاضر با متن غایب به متن نگریسته می‌شود.
۴. بر اساس موضوع، پیش‌متن به انواع ادبی، اسطوره‌ای تاریخی؛ عامیانه، دینی و دیگر انواع قابل تقسیم است.
۵. از جهت فنی و هنری رابطه بینامتنی شامل انواع کامل متنی، کامل تعدیلی، اسلوبی، واژگانی، الهامی، اشاره‌ای، جزوی و چند سویه می‌شود (حبیبی، ۱۳۹۲: ۳۲).

۳- انواع هم‌حضوری اشعار رضوی و قرآن کریم

از میان انواع روابط بینامتنی که بدان‌ها اشاره شد، اشعار رضوی معاصر دارای روابط بینامتنی قوی، درون‌نشانه‌ای، درون‌فرهنگی، در زمانی و هم‌حضوری آشکار و ضمنی

هستند که شرح خواهیم داد.

به دلیل بهره‌گیری شاعران رضوی از آیات و مفاهیم قرآن، هم در صورت و هم در معنا، رابطه دو متن از نوع بینامتنی قوی است. شاعران رضوی علاوه بر کاربرد واژه‌ها، ترکیب‌ها و بخشی از آیات قرآن کریم در اشعارشان، از مضامین و آموزه‌های اخلاقی و مذهبی آن نیز بهره گرفته‌اند. شاعران رضوی، نه تنها قصد پنهان کردن پیش‌متن مؤثر بر اشعار خود را ندارند، بلکه با به‌کار بردن نشانه‌هایی، پیش‌متن خود را آشکار می‌کنند. شیوه اثرپذیری اشعار رضوی از قرآن کریم، اقتباس از مضامین و مفاهیم، نقل مستقیم آیات و عبارات و تلمیح و اشاره به ژرف‌ساخت‌ها و داستان‌های قرآن است. از این رو رابطه دو متن، آشکار و گاه ضمنی است.

همچنین به سبب تعلق هر دو متن (پیش‌متن قرآن و پس‌متن اشعار رضوی) به یک نظام نشانه‌ای (کلامی)، این دو متن دارای ارتباط بینامتنی درون‌نشانه‌ای است. تعلق زیرمتن قرآن کریم به عصر تاریخی گذشته و تعلق زیرمتن اشعار رضوی به دوران معاصر و اثرپذیری اشعار رضوی از متنی با فاصله زمانی بسیار، نوع روابط دو متن را در بینامتنی در زمانی و درون‌فرهنگی جای می‌دهد. این مسئله مبین جایگاه منحصر به فرد قرآن کریم در میان متون دینی کهن است که با گذشت قرن‌ها، به سبب ارزش بلاغی و محتوایی در آثار ادیبان معاصر نیز اهمیت خاصی یافته به طوری که اشعار و نوشته‌های ادبی معاصر سرشار از مضامین قرآنی است.

اشاره صریح اشعار رضوی به آیات و عبارات قرآن، از جلوه‌های هم‌حضور آشکار متن اشعار رضوی و قرآن کریم است. اشعار رضوی افزون بر سود جستن از آیات و عبارات و واژگان قرآنی از مضامین و درون‌مایه‌های آن نیز بهره برده‌است که بیانگر رابطه میان متنی ضمنی دو متن است. از میان سایر انواع بینامتنیت، به سبب وضوح نوع ارتباط میان دو متن و نیز به لحاظ بررسی اشعار رضوی از حیث فنی و هنری به شرح

انواع هم حضوری کامل متنی، کامل تعدیلی، جزئی، واژگانی، مفهومی و تلمیحی خواهیم پرداخت.

۳-۱. رابطه بینا متنی کامل متنی

در این رابطه، «تکیه بر متن کامل و مستقل است و دقیقاً همان متن اصلی بدون افزایش یا کم و کاست در سیاق اولیه و اصلی اش توسط آفریننده متن حاضر (پسامتن) به کار می‌رود. خواه این متن یک بیت باشد یا یک مصرع یا یک قصیده یا جمله‌ای نثری» (حلبی، ۲۰۰۷: ۶۱). یکی از ابعاد مورد بحث در رویکرد بینا متنی، میزان انعکاس پیش‌متن‌ها در پس‌متن‌هاست. قرآن کریم که یکی از پیش‌متن‌های (زیرمتن) اصلی اشعار رضوی است، به اشکال متعددی در آن جلوه‌گر شده است.

یکی از شیوه‌هایی که شاعران رضوی، به ایجاد ارتباط میان اشعار خود و متن قرآن کریم پرداخته‌اند، کاربرد آیات کوتاه قرآن، بدون تغییر و کم و کاست و گاه با تغییرات جزئی بدون ایجاد خلل در ساختار معنایی آیات است. منظور از این نوع ارتباط، تضمین، تبیین، تشریح، استناد به آیات و غنابخشی به شعر است. محمدحسین غروی در بیت زیر، با تشبیه نسیم کوی حضرت رضا^(ع) به آیه‌ای از قرآن کریم، به غنای لفظی و معنایی شعر خود افزوده‌است:

دقایق ابدی از لب تو تبیان داشت / نسیم کوی تو یحیی العظام و هی رمیم

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۰۲)

زیرمتن آیه: «وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِي خَلَقَهُ قَالَ مَنْ يَحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ» (یس، ۷۸)

منشی کاشانی نیز با کاربرد واژه‌ها و آیات قرآنی به تبیین مقام والای امام رضا^(ع) و

برتری مرتبه ایشان نسبت به بهشت و بهشتیان پرداخته‌است:

تشنه آب سنا باد تو باشد در بهشت / سلسبیل و کوثر و نسیم و کأس من معین

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۱۱)

زیرمتن آیه: «بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ» (الواقعه، ۱۸)
 آن چنان واقف به اسرار است گویی باطنش / مظهر تابان الرحمن علی العرش استوی است
 (شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۲۸)

زیرمتن آیه: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۵)
 زائران را بر در درگاه او گوید سروش / هذه جنات عدن فادخلوها خالدین
 (احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۱۷۲)

زیرمتن آیه: «جَنَاتٍ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا» (طه، ۷۶)

۲-۳. رابطه بینامتنی کامل تعدیلی

در این نوع رابطه «شاعر به متنی مستقل و کامل (خواه یک مصرع یا بیت یا یک قصیده و یا عبارت نثری) تکیه دارد. او این متن را از سیاقش جدا کرده و بعد از اعمال برخی ساختار شکنی های ساده و یا پیچیده، هم چون کم و زیاد کردن، تقدیم و تأخیر اجزا، تغییر زمان و صیغه افعال، تبدیل جملات انشایی به خبری و برعکس، آن متن را در بافت متن شعر خود می نهد و از آن در جهت بیان اندیشه شعری جدید بهره می برد» (حلبی، ۲۰۰۷: ۶۴).

مه ایوان یثرب آفتاب مشرق و مغرب / که سقف مشهدش همسایه آمد عرش رحمان را
 (احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۴۹)

زیرمتن آیه: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۵)

قاسم رسا، محمود منشی کاشانی و امیری فیروزکوهی، به ترتیب در ابیات زیر با بهره جویی از آیه ای از قرآنی کریم، در معنایی مطابق با دلالت اصلی آن و به منظور وصف بارگاه حضرت رضا^(ع) و ذکر همسانی آن با بهشت، با کم و زیاد کردن و ایجاد تقدیم و تأخیر میان اجزای آیه، آن را به اشکال گوناگونی در اشعار خود به کار برده اند:
 صبح سعادت روی او، خرم فضا از بوی او / فردوس رضوان کوی او، "قل فادخلوها آمین"

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲، ۲۴۰)

خوانش رابطه بینا متنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم ❖ ۱۲۷

دار الحفاظ، دار امانست و خلق را / فحوای "فادخلوا بسلام" مقرر است

(همان: ۶۲۳)

ملک به اذن دخولش ز نه رواق سپهر / ز "ادخلوا بسلام" به پیشباز آمد

(امیری فیروزکوهی، ۱۳۶۹: ۱۰۰۲)

زیر متن آیه: "ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ" (الحجر، ۴۶)

و عاشق طبسی در بیت زیر، با اشاره به قسمتی از آیه قرآن، ترکیباتی وصفی می‌سازد که بیانگر اوصاف ممدوح شاعر باشد. تغییرات صورت گرفته عبارتند از: حذف بخشی از آیه و تبدیل کلمه خُلِقَ به خُلِقَ:

روش مصطفی به خُلِقَ عظیم / وجهه نفس پر فتوت اوست

(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۲۵۷)

زیر متن آیه: "وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ" (القلم، ۴)

محمد رضا خزائلی در این بیت:

در بزم قدس و عالم کروبیان پاک / پرتو فکن، تجلی شمس الضحا تویی

(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۲۵۲)

و محمد موحدیان در بیت زیر، با کاربرد بخش‌هایی از یک آیه، به ذکر اوصاف حضرتشان پرداخته‌اند:

شمس الضحی که جمله خوبان درگهش / روی نیاز بر طلب آرزو کند

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۵۷)

زیر متن: "وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا" (الشمس، ۱)

میرزا محمد نصیر اصفهانی، به منظور تشبیه تفضیل کوی حضرت رضا^(ع) به جنت می‌گوید:

هر آن که بیند جنت عدن کویش را / روان به جنت خواند مثال کم ترکوا

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۲۰)

زیرمتن آیه: "كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ" (الدخان، ۲۵)

گر دردهد ندای آلت بر بکم / ما بر الست او همه قالوا بلی زنیم

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۴۷)

زیرمتن آیه: "أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى... (الاعراف، ۱۷۲)

۳-۳. رابطه بینامتنی اشاره‌ای (تلمیحی)

در این رابطه، شاعر به ذکر یک یا چند نشانه در کلام که خواننده را به متن غایب رهنمون سازد، اکتفا می‌کند و با الفاظی اندک معانی بسیاری را به ذهن خواننده می‌رساند (حبیبی، ۱۳۹۲: ۴۷). اشعار رضوی، سرشار از این نوع رابطه بینامتنی است. اشاره به نام و داستان پیامبرانی که قصص آن‌ها در قرآن ذکر شده، ایجاد کننده ارتباط اشاره‌ای میان پیش متن قرآن و بیش متن اشعار رضوی است که در بیشتر موارد به اشاره‌ای به نام پیامبران بسنده شده است که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود.

• داستان حضرت موسی^(ع)

از میان داستان‌های قرآنی، داستان حضرت موسی^(ع) بیشترین بسامد تکرار را در اشعار رضوی دارد و جالب آن که این داستان در قرآن نیز بیش از سایر قصص تکرار شده است. ابیاتی از عاشق طبسی، محمود شاهرخی و علیرضا قزوه در اشاره به این داستان:

شوق موسی و پاکی عیسی / تار و پود روان و فطرت اوست

(احمدی و نقوی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۵۸)

پور موسایی ولی با خصم گاه احتجاج / باطل السحر فسون‌هایی چو موسی با عصا

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۴۹)

در حادثه موسای به هوش آمده ماییم / سبحانک یا نورتر از نورتر از نور

(قزوه، ۱۳۸۷: ۱۰۰)

به داستان حضرت موسی^(ع) در سوره‌های مؤمنون، طه، اعراف، شعراء، بقره، صافات

خوانش رابطه بینا متنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم ❖ ۱۲۹

و زحرف اشاره شده است: «سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ» (الصافات، ۱۲۰)، «وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (البقره، ۵۱)، «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ» (غافر، ۵۳)

• داستان حضرت اسماعیل^(ع)

شاعران رضوی به تناسب مضمون و مقصود از داستان‌های قرآنی بهره می‌گیرند که داستان حضرت اسماعیل^(ع) را اغلب در مقام تشبیه و تمثیل به جهت قربانی شدن در راه هدف به کار گرفته‌اند؛ شیخ محمدحسین غروی می‌گوید:

مقام قدس خلیل و منای عشق ذبیح / که نقد جان به کف از بهر دوست قربان داشت
(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۱۷۴)

به این داستان در سوره‌های صافات، مریم، توبه، بقره، ابراهیم، انبیاء، آل عمران و انعام اشاره شده است.

• داستان حضرت عیسی^(ع)

آن چه از معجز عیسی به خبر یافته‌اند / من ز نوباوه موسی به عیان یافته‌ام
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۶)

و بیت زیر از صباحی بیگدلی: *روزگاره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
لطف و قهرت را بود هنگام مهر و وقت کین / فیض انفاس مسیحا و خواص نفخ صور
(همان: ۳۷۴)

داستان حضرت عیسی^(ع) در سوره‌های مائده، مریم، بقره و آل عمران آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يُشْرِكُ بِكَلِمَتِهِ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ...» (آل عمران، ۴۵)، «وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ...» (البقره، ۲۵۳).

• داستان حضرت یوسف^(ع)

مقیم خاک خراسان شدی به درد و فراق / چو با تأسّف، یوسف مقیم بیت حزن
(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۴۷)

«إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كُوكَبًا...» (یوسف، ۴)

• داستان حضرت سلیمان^(ع)

در اشعار رضوی به این داستان به کرات اشاره شده و شاعر به فراخور مفهوم و پیام بیت از شگردهای متفاوت این داستان، سود جسته است مانند بیت زیر از صباحی بیگدلی:

هیچ از شأن سلیمانیت نتوانست کاست / خاتم ملک از کفت گر برد اهریمن به زور
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۷۴)

وصال شیرازی نیز اشاره‌ای به این داستان کرده و گفته است:

شه ملک رضا کارد قضا در چنبر طاعت / به دیوانش سلیمان چون سلیمان را که دیوانش
(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۸)

روشن اردستانی در مقام تشبیه باریابی زائران در بارگاه حضرت رضا^(ع)، به راه یافتن مور به بساط حضرت سلیمان از این داستان بهره می‌گیرد و می‌گوید:

یا رب منم گرفته در این آستانه جا / یا مور بر بساط سلیمان نهاده پا
(همان، ۱۳۷۷: ۱۲۵)

و محمدحسین میرزا نادری، سبب بازیافتن سلطنت حضرت سلیمان را یاری امام رضا^(ع) ذکر می‌کند:

نادری را غیر درگاهت نباشد ملجئی / چون سلیمان دارد از عون تو اندر کف نگین
(همان: ۱۷۲)

داستان حضرت سلیمان^(ع) در چند سوره قرآن از جمله نمل و عنکبوت بیان شده

است: «وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يوزَعُونَ» (النمل، ۱۷)

• داستان حضرت خضر^(ع)

داستان حضرت خضر^(ع)، به دلیل ارتباط صوری آب حیات مطرح در آن با سقاخانه

خوانش رابطه بینا متنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم ❖ ۱۳۱

حضرت رضا^(ع) که برای زائران تقدّس ویژه‌ای دارد، بسیار مورد کاربرد شاعران رضوی قرار گرفته‌است. صفای اصفهانی در مقام قیاس بارگاه حضرت رضا^(ع) و آب حیات خضر چنین می‌گوید:

آب بقا ز خضر مجو از رضا طلب / خاک در رضا است که سرچشمه بقاست

(صفای اصفهانی، ۱۳۷۷: ۲۸)

و بیتی از حزین لاهیجی در اشاره به داستان حضرت خضر:

به وصف اگر خامه لب‌تر نماید / تحکّم به خضر و سکندر نماید

(همان: ۸۶)

زنده دل آن‌که خورد آب ز سرچشمه علمت / خضر اندر طلب آب و تو سرچشمه مایی

(احمدی و نقوی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۲۸)

• سایر داستان‌های قرآنی

شاعران رضوی، در اثنای کلام خود به بسیاری از داستان‌های قرآنی (داستان حضرت ابراهیم^(ع)، حضرت یونس^(ع)، حضرت هود^(ع)، حضرت داوود^(ع)، حضرت ایوب^(ع)، حضرت یعقوب^(ع) و ...) اشاره کرده‌اند که به ذکر چند مورد از نادری و طرب اصفهانی بسنده می‌شود:

شد ولای حضرت او باب این حصن حصین / هود و ادریس و شعیب و آدم و نوح و خلیل

(همان، ۱۳۷۷: ۱۷۱)

ما سوی الله شد طفیل هستی او نیز هست / ما سوی الله را گرامی در گهش کھف امان

آدم و نوح و خلیل و صالح و هود و کلیم / خضر و ایوب و شعیب و عیسی زنده روان

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۲۳)

۳-۴. رابطه بینا متنی الهامی و مفهومی

برای ایجاد این نوع ارتباط، «شاعر مایه اصلی سخن خویش را از مفهوم و یا نکته‌ای اخذ می‌کند

و در پردازش سخن به گونه‌ای عمل می‌نماید که خواننده آگاه به متن غایب پس از خواندن آن پیوند مفهومی و

مضمونی میان زیرمتن و زیرمتن را احساس نماید» (حلبی، ۲۰۰۷: ۷۲-۷۳) که در اشعار رضوی، موارد بسیاری از این نوع رابطه بینامتنی دیده می‌شود. شاعر با اشاره به مفهوم آیات قرآن، افزون بر توصیف مراتب و درجات مقام ممدوح، آیاتی از مصحف شریف را در ذهن تداعی می‌کند. صباحی بیگدلی آیه‌ای از قرآن را این‌گونه در شعر خود می‌آورد:

طوس این یا وادی ایمن که می‌بینم ز دور / گنبد شاه خراسان یا رب این یا نخل طور
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۷۲)

اشاره به مفهوم آیه: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (القصص، ۳۰)

عمر نوحی بایدم تا از تأسف هر نفس / چشمه خون از دلم جوشد چو توفان از تنور
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۷۶)

اشاره به مفهوم آیه: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ...» (هود، ۴۰)

و بیت زیر از سروش اصفهانی در اشاره به مفهوم آیه اول و دوم سوره تکویر:
زمن تحیت بادا به جان روشن تو / فرو روند و برآیند تا نجوم و شمس

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۹۰)

زیرمتن آیه: «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ* وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» (التکویر، ۱ و ۲)

۳-۵. رابطه بینامتنی جزئی

گاه شاعر «با تکیه بر متن مورد اقتباس، بخش‌هایی از عبارات و جمله‌ها، شبه جمله‌ها و ... را از آن برش می‌زند و در بافت متن خویش به‌کار می‌بندد. البته در مواردی نیز این فرایند به‌صورت ناخودآگاه رخ می‌دهد (حلبی، ۲۰۰۷: ۶۷). شاعران رضوی در تبیین، توضیح، تعلیل و استناد سخنان خود، پیوسته اشعارشان را با جملات کوتاه و عبارات قرآنی می‌آریند که به نمونه‌هایی از آن

اشاره می‌شود:

خوانش رابطه بینا متنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم ❖ ۱۳۳

۳-۵-۱. جمله‌های قرآنی

از بارزترین شگردهای اثرپذیری شاعران از پیش‌متن قرآن کریم، استناد به جملات کوتاه قرآنی است که شاعر به فراخور مقصود خود و برای تزیین، تعلیل، نکته‌پردازی، تشبیه یا مقاصد دیگر، از جمله‌های مصحف شریف بهره می‌گیرد:

به سر از لطف حق تاجت، طریق شرع منهجت / بساط قرب معراجت، فسحان الذی اسری

(قآنی، ۱۳۸۰: ۳۸)

زیرمتن: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...» (الاسراء، ۱)

فلک به رفعت قدرش ز صفة ملکوت / به آیت اذن الله در نماز آمد

(امیری فیروزکوهی، ۱۳۶۹: ۱۰۰۲)

زیرمتن آیه: «فِي بُيُوتٍ أَنْزَلَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَتُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (النور، ۳۶)

مهمین نوباوه آدم، بهین پیرایه عالم / چو خیرالمرسلین محرم، به خلوتگاه او ادنی

(قآنی، ۱۳۸۰: ۳۸)

زیرمتن آیه: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (النجم، ۹)

رضا ضامن آهوان نجیب / جواب تمنای «امن یجیب»

(قدرتی، ۱۳۸۳: ۱۷)

زیرمتن آیه: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاً وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (النمل، ۶۲)

تو جسم شرع را جانی، تو در عقل را کانی / تو گنج کان یزدانی، تو دانی سر ما أوحی

(قآنی، ۱۳۸۰: ۳۹)

زیرمتن آیه: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ» (العنكبوت، ۴۵)

ای که بود روشن از جمال تو انجم / گفته به وصف خدا «لیذهب عنکم»

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۵۲۳)

زیرمتن آیه: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الاحزاب، ۳۳)

❖ ۱۳۴ فرهنگ رضوی

و بیت زیر از صباحی بیگدلی:

عرضه ده درد دل خود را بر این صدر رفیع / گرچه آیزد کرده آگاهش ز ما یخفی الصدور
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۳۷۵)

زیر متن آیه: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر، ۱۹)

ز آب چشم عاشقان درگهت طوبی لهم / طوبی و فردوس اعلا یافته نشو و نما
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۱۸)

زیر متن آیه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (الرعد، ۲۹)

۳-۵-۲. عبارات قرآنی

محمود منشی کاشانی، عبدالحسین منشی باشی، علاءالدین حجازی و طرب
اصفهانی، در سروده‌های خود به زیبایی از عبارات قرآنی بهره گرفته‌اند:

دار السیاده در نظر آرد نمونه‌وار / من فوقها غرف که به میعاد داور است

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۲۳)

تو ز انوار چارده، دهمی / پسر انما ولیکمی

(همان: ۶۷۶)

فروغ روشن مشکات کبریاست رضا / نشان زنده آیات هل آتی است رضا

(همان: ۱۶۱)

الغرض از اوج هفتم چرخ تا تحت الثری / آن چه می‌بینی عیان و آن چه می‌دانی نهان

جمله را دست توسل جمله را چشم امید / هست بر شاه خراسان چه نهان و چه عیان

(همان: ۴۲۴)

زیر متن آیات: «الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...»

(الزمر، ۲۰)

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» (المائدة، ۵۵)، «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ»

(هل أتی، ۱)

«لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى» (طه، ۶)

۳-۶. رابطه بینامتنی واژگانی

در این شیوه «شاعر یا نویسنده در به‌کارگیری برخی واژه‌ها و فعل‌ها و ترکیب‌ها و امداًر متنی و یا اثری دیگر است» (راستگو، ۱۳۸۵: ۱۵). به گونه‌ای که می‌توان آن واژه‌ها را مختص متن غایب یا همان پیش متن دانست. به دلیل ویژگی زبان اشعار رضوی در ساخت ترکیب‌ها نو و مضمون‌آفرینی و آشنایی شاعر با متن قرآن کریم، شاعر، در ساخت واژگان و ترکیب‌ها از واژه‌های قرآنی بسیار بهره گرفته است. در پس متن اشعار رضوی، موارد بی‌شماری از کاربرد واژه‌های قرآنی شامل: افعال، ترکیب‌ها و صفتی، ترکیب‌ها اضافی، اسامی سوره‌های قرآنی، نام کتب مقدس مذکور در قرآن و سایر واژگان برگرفته از مصحف شریف دیده می‌شود:

۳-۶-۱. افعال

کاربرد افعال قرآنی، از دیگر شگردهای وام‌گیری شاعران رضوی، از زیرمتن قرآن کریم است. همای شیرازی، در بیت زیر با اشاره به فعل «عَلِمَ» که برگرفته از قرآن است، افزون بر ساخت تصویر تشبیهی، معنای آیه را نیز یادآوری می‌کند:

رسوم دو گیتی، بنای دو عالم / نهادی تو بر فرق او تاج عِلْم (شاهرخی و

کاشانی، ۱۳۷۲: ۷۲۵)

زیرمتن آیه: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (البقره، ۳۱)

و نمونه دیگری از قزوه:

در حادثه موسای به هوش آمده ماییم / سبحانک یا نورتر از نورتر از نور

(قزوه، ۱۳۸۷: ۱۰۰)

زیرمتن آیه: «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (البقره، ۳۲) و آیه «سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۹۱)

۳-۶-۳. ترکیب‌ها

الف) ترکیب‌های اضافی

در بسیاری از موارد، سود جستن از متن قرآن کریم، از طریق کاربرد ترکیب‌های وصفی و اضافی است که شاعر به جای ترکیب‌های معمول در زبان فارسی، بدان‌ها استناد می‌جوید تا افزون بر ایجاد آرایه حسن تعلیل و تشبیه، تصاویر ذهنی خود را روشن‌تر بیان کند. ترکیباتی نظیر «بوالبشر» (شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۴۷)، «بضع سنین» (همان: ۶۷۸)، «اولوالأمر» (همان: ۶۳۵)، «قرة العین» (همان: ۶۱۳) و «کلمة الله» (همان: ۶۵۸).

• کلمة الله

یا کلمة الله / عرفان در ایستگاه حرمت / پیاده می‌شود

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۵۸)

زیرمتن آیه: «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (التوبه، ۴۰)

• فالق الأصباح

حدیث حسن تو را خواند فالق الأصباح / که از افق غسق اللیل را گریزان داشت

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۰۱)

زیرمتن آیه: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ» (اسراء: ۷۸) و آیه «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا» (الانعام، ۹۶)

• عروة الوثقی

زهی یزدان ثناخوانت، دو گیتی خوان احسانت / خهی فتراک فرمانت، جهان را عروة الوثقی

(قآنی، ۱۳۸۰: ۳۸)

خوانش رابطه بینا متنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم ❖ ۱۳۷

زیرمتن آیه: «وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»
(البقره، ۲۵۶)

• دارالقرار

سرمایه سعادت دارالقرار یافت / هر دل که در محبت آن شه قرار کرد
(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۱۷)

زیرمتن آیه: «وَإِنَّ الْآخِرَةَ لَهِیَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر، ۳۹)

• حور عین

بوده و هست و بود جاروب این جنت سرا / از پی کسب شرافت گیسوان حور عین
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۱۲)

زیرمتن آیه: «وَحُورٌ عِیْنٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (الواقعه، ۲۲)

• ترکیب‌های وصفی

ادیب کاشانی، قاسم رسا، سروش اصفهانی و حسین خوارزمی، از جمله شاعرانی هستند که در آفرینش سروده‌های خود، به‌ویژه در وصف مقام حضرت رضا^(ع)، عامدانه به ذکر اوصاف مذکور در متن قرآن کریم، پرداخته‌اند:

• رب غفور

جهان فضل علی بن موسی کاظم / رضا شهنشه ثامن، حبیب رب غفور
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۴۵)

زیرمتن آیه: «وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةً طَيِّبَةً وَرَبِّ غَفُورٍ» (سبأ، ۱۵)

• قرآن مبین

از «تکتم» آن فخر زمان شد سر مکتوبی عیان / رازی که روشن شد از آن اسرار قرآن مبین
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۴۰)

زیرمتن آیه: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (الانعام، ۵۹)

• مهیمن قدوس

نثار مشهد او را به دست روح قدس / طباق نور فرستد مهیمن قدوس

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۲۹۰)

زیرمتن آیه: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ...»

(الحشر، ۲۳)

• ید بیضا

گو موسی عمران دگر نام از ید بیضا مبر / کز لطف حق آمد بدر دست خدا از آستی

(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۲۱۴)

• احسن مثواه

بر حوت عیانست که این بحر معلق / با واسطه فیض تو شد احسن مثواه

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۳۵)

زیرمتن آیه: «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ...» (یوسف، ۲۳)

۳-۶-۳. نام سوره ها

ذکر نام سوره های قرآن، از دیگر روش های پیوند سروده های شاعران رضوی با قرآن کریم و نشانگر نظر شاعران به پیش متن مصحف شریف است. علاءالدین حجازی، حسین خوارزمی، علیرضا قزوه و عاشق طبسی در نمونه های زیر، از این نوع رابطه بینامتنی سود جستند:

فروغ روشن مشکات کبریاست رضا / نشان زنده آیات هل آتی است رضا

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۶۱)

بوی عنبرسای تو تعبیر و اللیل آمده / روح روح افزای تو تعبیر سر و الضحی

(همان: ۲۱۸)

خوانش رابطه بینا متنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم ❖ ۱۳۹

❖ سال پنجم شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۶

ای سوره اعراف من ای قبله هشتم / در ظلمت من پنجره ای باز کن از نور
(قزوه، ۱۳۹۱: ۴۵)
گفت: "دارالسلام عندالله" / گر به فرقان کمینه دولت اوست (احمدی و نقوی زاده،
۱۳۷۷: ۲۵۸)

۳-۶-۴. سایر واژگان قرآنی شامل اسمها و صفتها

تعداد زیادی از واژگان قرآنی در شعر رضوی معاصر دیده می شود. واژه هایی نظیر
«جحیم» (شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۷۱۹)، «ابکم» (همان: ۷۲۸)، «خلد» (همان: ۷۱۹)،
«نعیم» (همان: ۶۴۳) و... که نمونه هایی از آن ذکر می شود:

• ماء و طین

علت غائی تو بودی، این که شد روز ازل / از پی ایجاد آدم امتزاج ماء و طین
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۱۳)
زیر متن آیه: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ
مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (السجده، ۷ و ۸)

• یسار و یمین

باشد از خیل ملایک چشم حسرت صبح و شام / بر صف خدام این در از یسار و از یمین
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۷۲: ۶۱۳)
زیر متن آیه: «وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ» (الواقعه، ۲۷)

• هجت و برهان

امام مشرق و مغرب علی بن موسی / که هست هجت یزدان و شرع را ناموس
(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۱۱۸)

۱۴۰ ❖ فرهنگ رضوی

زیرمتن آیه «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأِهِ...» (الانعام، ۸۳)
و بیستی از صفای اصفهانی:

راهبر عشق تو مقصود تو برهان وصول / سرّ توحید که آورده مرا از ره راست

(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۱۴۷)

زیرمتن آیه: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (النمل، ۶۴)

•الست

مستی ام امروز و فردایی نبود / مست از روز الستم یا رضا

(قدرتی، ۱۳۸۳: ۵۹)

زیرمتن آیه: «أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ...» (الاعراف، ۱۷۲)

•دارالسلام و فرقان

گفت: "دارالسلام عندالله" / گر به فرقان کمینه دولت اوست

(احمدی و نقوی زاده، ۱۳۷۷: ۲۵۸)

زیرمتن آیه: «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ...» (یونس، ۲۵) و آیه: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ

لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (الفرقان، ۱)

نتیجه گیری

بررسی و تحلیل روابط بینامتنی شعر رضوی و مقایسه آن با متن قرآن کریم نشان می‌دهد که شاعران رضوی به دلیل آگاهی کامل از پیش‌متن قرآنی، به نیکویی توانسته‌اند قرآن را وارد بافت شعری خود کنند و با بهره‌گیری از روح قرآن، افزون بر پرباری بیان عاطفی شاعرانه خود به اهداف تعلیل، تشبیه، استناد و ارائه روشن‌تر تصاویر ذهنی خود دست یابند و نیز توانسته‌اند به بهترین شکل، مناسبات میان‌متنی و نوع بینامتنی قوی را با پیش‌متن خود (قرآن کریم) برقرار کنند و از بیشتر انواع روابط بینامتنی اعم از آشکار، ضمنی، درون فرهنگی، درون نشانه‌ای، درزمانی، خودآگاه و هم‌حضور آشکار و

ضمنی بهره جسته‌اند. کاربرد آیات کوتاه قرآن، بدون تغییر و کم و کاست و گاه با تغییرات جزئی بدون ایجاد خلل در ساختار معنایی آیات ایجاد کننده بینامتنی کامل متنی، اعمال برخی ساختار شکنی‌های ساده و پیچیده، موجد رابطه کامل تعدیلی و اشاره به مفهوم آیات، رابطه الهامی و مفهومی پیش‌متن و پس‌متن مورد بحث را میسر کرده است. همچنین کاربری طیف گسترده‌ای از عبارات، جمله‌ها، شبه جمله‌ها، واژه‌های قرآنی شامل: افعال، ترکیب‌ها وصفی، ترکیب‌ها اضافی، اسامی سوره‌های قرآنی، نام کتب مقدس مذکور در قرآن و سایر واژگان برگرفته از مصحف شریف مؤید رابطه بینامتنی جزئی، واژگانی و تلمیحی است. از این میان، نوع رابطه بینامتنی جزئی و واژگانی پر بسامدترین نوع مناسبات اشعار رضوی با مصحف شریف است و در اغلب سروده‌های رضوی اثرپذیری از قرآن کریم جلوه‌گر است. کارکرد آیات و الفاظ قرآن در شعر رضوی با کمترین تغییر در حوزه لفظی و معنایی صورت گرفته است؛ اما در کنار انواع مناسبات میان‌متنی مذکور، در برخی موارد تراگونی آگاهانه نیز وجود دارد. شاعران، از طریق کاهش، جابه‌جایی، تبدیل و تغییر صورت برخی واژه‌ها و در اندک مواردی با ایجاد تغییر در مفهوم و محتوای آیات به نوعی تراگونی آگاهانه دست یافته‌اند.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- احمدی بیرجندی، احمد و علی نقوی زاده، (۱۳۷۷)، *مدایح رضوی در شعر فارسی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اصفهانی، صفا، (۱۳۷۷)، *دیوان اشعار*، به تصحیح: احمد سهیلی خوانساری، تهران: سپهر.
- امیری فیروزکوهی، کریم، (۱۳۶۹)، *دیوان اشعار*، ج ۲، تهران: سخن.
- حبیبی، علی اصغر، (۱۳۹۲)، «بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلی و قرآن کریم»، *علوم پژوهش‌های ادبی - قرآنی*. سال اول، شماره ۴، صص ۲۷-۶۲.
- حلی، احمد طعمه، (۲۰۰۷)، «اشکال التناص الشعری شعر البیاتی النموذجاً»، *مجلة الموقف الأدبی*، العدد ۴۳۰، صص ۶۰-۸۳.
- خزعلی، انسیه، (۲۰۰۹)، «التناص الیدینی فی الاب اللبانی المعاصر»، *مجلة العلوم الانسانیة الدولیه*، العدد ۱۶، صص ۶۱-۸۹.
- راستگو، محمد، (۱۳۸۵)، *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سمت.

خوانش رابطه بینا متنی شعر رضوی معاصر و قرآن کریم ❖ ۱۴۳

- ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۳)، «بینامتنیت: پیشینه و پسینه نقد بینامتنی»، نشریه بیناب، اردیبهشت، شماره ۵ و ۶، صص ۱۷۲-۱۸۵.
- شاهرخ، محمود و مشفق کاشانی، (۱۳۷۲)، قبله هفتم، قم: اسوه.
- قآنی شیرازی، میرزا حبیب الله، (۱۳۸۰)، دیوان اشعار، به تصحیح میرزا محمود خوانساری، تهران: نگاه.
- قدرتی، نسترن، (۱۳۸۳)، حریم سبز عشق، مشهد: به نشر.
- قرهباغی، علی اصغر، (۱۳۸۱)، «بینامتنیت (واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی)»، ادبیات و زبان‌ها، گلستانه، اسفند، شماره ۴۷، صص ۳۸-۴۳.
- قزوه، علیرضا، (۱۳۷۸)، سوره انگور، تهران: تکا.
- _____، (۱۳۹۱)، صبحتان بخیر مردم، تهران: کتاب نشر.
- مکاریک، ایرنا ریما، (۱۳۹۰)، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- نامورمطلق، بهمن، (۱۳۸۶)، «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۶، زمستان، صص ۸۳-۹۸.
- _____، (۱۳۹۰)، درآمدی بر بینامتنیت، تهران: سخن.
- نظیری نیشابوری، محمدحسین، (۱۳۴۰)، دیوان اشعار، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی